

فراموشی و یادآوری از دیدگاه ابن سینا

محمود صیدی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۵

DOI: [10.30497/AP.2023.245406.1652](https://doi.org/10.30497/AP.2023.245406.1652)



چکیده

ادراک و کیفیت حصول آن، اهمیت بسیاری در میان مباحث فلسفی ابن سینا دارد. او تنها فیلسوف مسلمانی است که سعی در بیان نظریه‌ای منسجم درباره فراموشی و یادآوری داشته است. بانظر به امکان فراموشی و یادآوری در هر موضوع علمی و پیش آمدن آن برای تمامی انسان‌ها، بررسی این مسئله اهمیت زیادی از نظر معرفت‌شناسی در فلسفه سینوی دارد که در پژوهش حاضر به شیوه تحلیلی — توصیفی به بررسی آن پرداخته شده است. سئوالاتی که در این پژوهش پاسخ داده شده، چیستی حقیقت یادآوری و فراموشی و مراتب هر یک و تفاوت یادآوری و یادگیری است. مباحث ابن سینا در این زمینه مبتنی بر نظریه او درباره حصول صورت یا ماهیت اشیا و ورود آن از خارج به ذهن است و در اقسام ادراکات حسی و خیالی، وهمی و عقلی بررسی می‌شود. فراموشی امری مشترک میان برخی از حیوانات و انسان‌ها است؛ ولی یادآوری صورت‌های علمی مختص انسان است. با نظر به مادی نبودن قوه خیال و ادراکات آن و همچنین شواهد حسی، دیدگاه ابن سینا در این زمینه اشکال اساسی دارد. یادگیری، تحصیل صورت علمی جدید و انتقال از مجهول به معلوم است؛ ولی یادگیری ادراک مجدد صورت علمی‌ای است که در گذشته ادراک شده است.

کلیدواژه‌ها: ابن سینا، خیال، عقل، فراموشی، یادآوری، یادگیری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

مبحث چگونگی حصول علم در انسان‌ها و انواع و مراتب آن از مسائلی است که از دوران باستان و آغاز مباحث فلسفی در میان متفکران و اندیشمندان مطرح بوده است. وجود نظریات مختلف در میان اندیشمندان در این باره نشان‌دهنده اهمیت این مسئله برای آنان است. طبق نظریه منسوب به افلاطون، انسان علم خود را به گونه یادگیری تحصیل نمی‌کند. علم او در واقع یادآوری علمی است که انسان در عالم مثل مشاهده کرده است (افلاطون، ۱۳۳۶، ص ۵۴۵). ابن سینا با این نظریه موافق نیست و علوم را اکتسابات می‌داند (۱۴۰۵، ج ۲، ص ۵۴۵)؛ ولی طبق دیدگاه فلاسفه مشاء به ویژه ابن سینا، صورت یا ماهیت شیء خارجی از خارج وارد ذهن انسان شده و از این رو ادراک می‌شود (ابن سینا، ۱۴۱۸، ق، ص ۱۴۵). دلایلی که ابن سینا و سایر فلاسفه مشائی در اثبات وجود ذهنی اقامه کرده‌اند، مسائل و مشکلات به وجود آمده از مسئله وجود ذهنی، مانند جوهر و عرض گشتن یک صورت علمی، براساس ورود صورت‌های علمی اشیا، از خارج به ذهن است.

مسئله فراموشی و یادآوری، از جمله فروع بحث کیفیت حصول علم در انسان‌ها، است. شکی نیست که همه انسان‌ها مطالب یا موضوعاتی را در زندگی روزمره خویش فراموش می‌کنند؛ به گونه‌ای که ممکن است چنین امری سبب به وجود آمدن مشکلات بسیاری برای آنان شود.^۱ هیچ فردی نیز نمی‌تواند ادعا کند که هیچ‌گاه مطلب یا موضوعی را فراموش نکرده است. در مقابل برای همه انسان‌ها بارها یادآوردن موضوعی فراموش شده نیز اتفاق افتاده است. از این جهت می‌توان ادعا کرد که اصل مسئله فراموشی و یادآوری از جمله بدیهیات وجدانی و انکارناپذیر است.

مسئله این است که چه اتفاقی می‌افتد که انسان صورتی علمی، اعم از تصور یا تصدیق را فراموش می‌کند و یادآوری دوباره آن براساس چه فرآیند ادراکی انجام می‌گیرد؟ تحلیل این

۱. فرض کنید فردی پسورد ایمیل، یا رمز کارت اعتباری یا رمز گوشی تلفن همراه خویش را فراموش کند و امکان یادآوری یا بازیابی آن نباشد.

مسئله ممکن است طبق نظریات مختلف درباره کیفیت حصول علم در انسان‌ها، مجرد یا مادی دانستن قوای ادراکی، حضوری یا حصولی دانستن ادراکات متفاوت باشد که در این پژوهش به بررسی این مسئله طبق مبانی فلسفی ابن سینا مبنی بر حصول و ورود ماهیات اشیا از خارج به ذهن پرداخته می‌شود. ابن سینا از معدود فلاسفه مسلمان است که مباحثی را در این زمینه مطرح کرده است. سایر فلاسفه اسلامی بحث مبسوط یا نظریه‌ای منسجم در این زمینه ندارند و صرفاً ممکن است اشاره‌ای گذرا به این مسئله کرده باشند.

رویکرد پژوهش حاضر به این مسئله صرفاً فلسفی و بانظریه مباحث معرفت‌شناسی فلسفی ابن سینا است. ابن سینا، مباحث طبی بسیاری درباره یادآوری و فراموشی، کیفیت روی‌دادن اختلالات در مغز، چگونگی درمان، داروهای موردنیاز جهت درمان و نقش انواع مزاج را در این‌باره مطرح می‌کند (ابن سینا، ۲۰۰۵ م، ج ۲، ص ۲۰۴). این مباحث طبی و طبیعی بوده و مبتنی بر روش‌ها و رویکردهای طب و طبیعات سینوی هستند که ممکن است با مبانی و روش‌های پزشکی و علوم جدید سازگار نباشند و حتی منسوخ شده باشند.

ابن سینا قوای نفس ناطقه را به اقسام متعددی تقسیم می‌کند و برای هر قوه کارکرد ویژه‌ای بیان می‌دارد که با نظر به مادی بودن هر یک از قوای جزئی، هر یک از آن‌ها مکان و محل جداگانه‌ای در دماغ انسانی دارند. قوه حافظه یکی از مهم‌ترین قوای نفس ناطقه در ادراک است؛ بنابراین در بحث فراموشی و یادآوری اهمیت ویژه‌ای دارد. اهمیت بحث یادآوری در فلسفه ابن سینا تا جایی است که او لذت قوه حافظه و غایت آن را یادآوری صورت علمی فراموش شده می‌داند (ابن سینا، ۱۳۷۹، ص ۶۸۳). متقابلاً فراموش کردن موضوعی، سبب پیش‌آمدن حالت اندوه در فرد می‌شود که میزان اندوه به اهمیت موضوع نزد شخص بستگی دارد. یکی از مهم‌ترین کارکردهای قوه خیال در نظر ابن سینا یادآوری است و فراموشی نیز ناشی از ضعف این قوه در کارکرد است.

با بررسی و جست‌وجو در منابع آنلاین، مقاله یا کتابی که درباره فراموشی و یادگیری به‌طور کلی یا طبق دیدگاه‌های ابن سینا باشد، یافت نشد؛ با وجود این، می‌توان مقالات ذیل را

پیشینه تحقیق شمرد:

۱. در مقاله «یادگیری و عوامل از دیدگاه ابن سینا» به بررسی ماهیت و انواع یادگیری و عوامل مؤثر در آن پرداخته شده است (داوودی، ۱۳۹۰). نویسنده در این مقاله، به مباحث فراموشی و یادآوری پرداخته است.

۲. در مقاله «تذکر و یادآوری» نویسنده به بررسی بسیار مختصر یادآوری از دیدگاه آیات قرآنی پرداخته و سعی کرده است که اجمالاً به تطبیق آن با مباحث فلسفی نیز پردازد (بهشتی، ۱۳۶۲).

شایان توجه است که غالب مقالات و پژوهش‌های منتشرشده در این زمینه رویکرد روان‌شناسی یا علوم تربیتی دارند و از نظر فلسفی به بررسی موضوع پرداخته‌اند.

۱. فراموش کردن صورت‌های علمی

از دیدگاه ابن سینا، ادراک به سه نوع حسی و خیالی و عقلی تقسیم می‌شود. در ادراک حسی، قوای مدرکه بی‌واسطه اشیاء محسوس را ادراک می‌کند. در ادراک خیالی، صورت جزئی وارد قوای جزئی مانند حس مشترک و خیال می‌شود و در ادراک عقلی نفس ناطقه، صورت علمی را از ماده و ابعاد مادی مجرد، و آن را به گونه کلی ادراک می‌کند. بانظر به اینکه تفاوت میان ادراکات خیالی و حسی صرفاً در حضور جسم خارجی یا نبودن آن است، حقیقت فراموشی در دو قسمت ادراکات خیالی و عقلی به‌طور جداگانه بررسی می‌شود.

توضیح این نکته ضروری است که از دیدگاه ابن سینا قوای ادراکی به قوای ظاهری (حواس پنج‌گانه) و باطنی تقسیم می‌شود. ادراکات محسوس از راه حواس پنج‌گانه وارد حس مشترک می‌شود و قوه خیال خزانه حس مشترک است (ابن سینا، ۱۴۱۷ ق، ص ۲۲۷)؛ به‌گونه‌ای که صورت‌های محسوس واردشده به حس مشترک در قوه خیال ذخیره می‌شود (ابن سینا، ۱۴۱۷ ق، ص ۲۲۹). قوه عقل نیز یکی از قوای باطنی است که خازن آن، عقل مجرد یا عقل فعال است. عقل فعال افاضه‌کننده صورت‌های عقلی به نفس ناطقه است و نفس ناطقه نیز خازن صورت‌های عقلی هست (ابن سینا، ۱۴۱۷ ق، ص ۳۲۱).

نفس ناطقه در برابر معلومات خود سه حالت دارد: ادراک، ذهول، نسیان. ادراک، حاصل بودن صورت معقول در نفس ناطقه است. فراموشی یا نسیان از بین رفتن صورتی علمی از نفس ناطقه است، به گونه‌ای که ادراک مجدد آن نیازمند اکتساب جدید باشد؛ ولی در حالت ذهول یا غفلت می‌توان صورت علمی را بدون نیاز به اکتساب جدید، ادراک کرد (قطب‌الدین رازی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۶۱).

در فلسفه ابن‌سینا حالت نسیان با جهل نیز تفاوت دارد. جهل به دو قسم بسیط و مرکب تقسیم می‌شود که جهل بسیط، نبود صورت علمی درباره موضوع یا مسئله‌ای است؛ ولی جهل مرکب، داشتن صورت علمی و اعتقادی مخالف واقعیت است (ابن‌سینا، ۱۴۰۵ ق، ج ۳، ص ۳۶). جهل بسیط، نبود علم درباره مسئله‌ای است؛ از این رو، در جهل بسیط صورت علمی وجود ندارد تا فراموشی یا نسیان بر آن عارض شود. در جهل مرکب صورت علمی از موضوع یا مسئله‌ای وجود دارد، اگر صورت علمی در قوای ادراکی حاضر باشد، انسان آن را ادراک می‌کند و حالت علم به آن دارد، هر چند چنین علمی منطبق با واقعیت نباشد؛ ولی اگر صورت علمی غیر منطبق با واقعیت که پیش‌تر ادراک شده است، در قوای ادراکی مانند خیال و حافظه نباشد، انسان حالت فراموشی به آن صورت علمی دارد؛ مثلاً در طبیعیات قدیم، دانشمندان از جمله ابن‌سینا وجود افلاک را نیز باور داشتند. آنان با استفاده از ریاضیات قدیم و مبانی آن به اثبات این مدعا می‌پرداختند (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ ق الف، ص ۹۷). اگر کسی فروعاتی از این مبانی یا روش اثبات را فراموش می‌کرد، درباره مسئله‌ای که جهل مرکب داشت، حالت فراموشی به او دست داده بود؛ بنابراین جهل مرکب اشتراکاتی با فراموشی دارد، ولی جهل بسیط اشتراکی با آن ندارد.

به نظر می‌رسد که طبق مبانی ابن‌سینا پیش‌آمدن فراموشی مطلق، یعنی فراموشی در همه ادراکات، امکان ندارد؛ زیرا در شدیدترین حالت فراموشی نیز شخص به دلیل اختلال ادراکات، برخی صورت‌های علمی را حاضر می‌کند؛ هر چند ممکن است در تطبیق صورت‌های علمی با خارج اشتباه کند.

۲-۱ فراموشی در ادراکات حسی و خیالی

چنانچه صورتی علمی در قوای مدرکه و حافظه حضور داشته باشد و انسان نیز به این حضور

صورت علمی آگاه باشد، آن صورت علمی نزد نفس انسانی حاضر و حاصل است (حالت ادراکی). اگر صورتی علمی در حافظه موجود باشد، ولی در سایر قوای مدرکه مانند خیال و حس مشترک تحقق نداشته باشد، در این حالت انسان از آن صورت علمی، غافل است و در برابر آن حالت ذهول دارد؛ ولی به دلیل بودن صورت علمی در قوه حافظه، انسان می‌تواند هروقت خواست این صورت علمی را دوباره حاضر و ادراک کند. درحالی‌که حالت نسیان یا فراموشی، نبود صورت علمی پیش‌تر ادراک‌شده در قوای حافظه و مدرکه است. این صورت علمی پیش‌تر ادراک شده است؛ ولی به هر دلیل در قوای مدرکه و حافظه نیست. چنین حالتی در نظر ابن‌سینا، فراموشی در ادراکات حسی و حافظه است (ابن‌سینا، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۳۸).

در ادراکات حسی و خیالی باید میان دو حالت نفسانی ذهول (غفلت) با نسیان (فراموشی) در فلسفه ابن‌سینا تفاوت نهاد. در حالت غفلت صورت علمی در قوه حافظه موجود است و نفس هر وقت که بخواهد می‌تواند آن را دوباره حاضر و ادراک کند؛ ولی در حالت فراموشی، نفس انسانی در برابر صورت علمی آن، حالت عدم مطلق دارد و آن صورت علمی به هیچ وجه در قوای حافظه یا مدرکه نیست. بدین جهت ابن‌سینا، وجود حالت غفلت در برابر یک صورت علمی و تفاوت آن با حالت فراموشی را یکی از دلایل اثبات قوه حافظه می‌داند (ابن‌سینا، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۶۱)؛ زیرا کارکرد قوه خیال در حالت ذهول صورت‌های علمی است نه حالت نسیان به آن‌ها. در حالت نسیان یا فراموشی، صورت علمی در قوه خیال نیز تحقق ندارد. به دلیل تحقق صورت‌های علمی در قوه حافظه است که انسان با تلاش فکری آن‌ها را دوباره ادراک می‌کند. به دلیل نبود صورت علمی فراموش‌شده در قوای ادراکی و قوه خیال، ادراک مجدد آن نیاز به تحصیل دوباره دارد.

از دیدگاه ابن‌سینا فراموشی در ادراکات حسی و خیالی ناشی از ضعیف‌بودن قوه خیال است. اگر قوه خیال در نهایت قوت و شدت باشد، هیچ‌گاه حالت فراموشی به آن عارض نمی‌شود؛ از این جهت فراموش‌نکردن را از ویژگی‌های شخص پیامبر می‌داند (ابن‌سینا، ۱۳۵۲، ص ۳۵). در مقابل هرچقدر قوه خیال ضعیف‌تر باشد، امکان عارض شدن فراموشی صورت‌های علمی در آن بیشتر می‌شود. در این حالت، مزاج فرد، مرطوب است و از علائم آن، خواب بسیار

شخص است (ابن سینا، ۲۰۰۵ م، ج ۲، ص ۲۱۸).

۲-۲ فراموشی در ادراکات عقلی

خازن قدسی یا همان عقل فعال، مخزن صورت‌های عقلانی نفس ناطقه است. در صورتی که نفس ناطقه، ملکه اتصال خویش را به عقل فعال به‌طور کلی از دست دهد، حالت نسیان یا فراموشی در برابر مفهوم کلی خاصی پیدا می‌کند. اگر صورت علمی نزد نفس ناطقه حاضر نباشد، با وجود این نفس ناطقه دارای ملکه اتصال به عقل فعال باشد، در این هنگام، نفس ناطقه در برابر مفهوم کلی عقلانی حالت ذهول یا غفلت دارد. حالت فراموشی نفس ناطقه در برابر صورتی علمی کلی، فقدان آن در نفس ناطقه است که به باور میرداماد، «در این صورت نفس ناطقه استعداد اتصال به عالم عقل را از دست داده است» (۱۳۶۷، ص ۳۸۶).

به اقسام فراموشی در فلسفه ابن سینا، باید ادراکات قوه وهم را نیز اضافه کرد. قوه وهم معانی جزئی را ادراک می‌کند. ادراکات وهمی از جهت کلی‌اند، ولی کلی محض و صرف نیستند، بلکه ناظر و متعلق به مصداق جزئی هستند؛ مثلاً بره، ادراکی از مفهوم کلی دشمنی دارد که با دیدن گرگ در خارج، از آن حیوان می‌ترسد و فرار می‌کند؛ هرچند ممکن است هیچ‌گاه پیش‌تر گرگی ندیده باشد. انسان ممکن است برخی از ادراکات وهمی خویش را فراموش کند؛ بدین‌بیان که صورت علمی حتی در مخزن قوه وهم یعنی ذاکره نیز نباشد. فراموشی در ادراکات وهمی هنگامی روی می‌دهد که قوه وهم توانایی حفظ و تثبیت صورت‌های ادراکی خویش را نداشته باشد یا به دلیل عدم ادراک متعلق خارجی، معنای کلی وهمانی به‌طور کلی فراموش شود. فراموشی صرفاً در هنگام تعلق نفس ناطقه به بدن اتفاق می‌افتد (ابن سینا، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۲۰۸). ابن سینا دلیل پیش‌آمدن فراموشی برای انسان را مزاج سرد و مرطوب بدن و مزاج سرد رگ‌های مغزی می‌داند که در افراد مبتلا به بیماری‌هایی مانند صرع و سکتة تشدید می‌شود (ابن سینا، ۲۰۰۵ م، ج ۳، ص ۲۷۴). از یک‌سو، انسان در بسیاری از ادراکات خویش نیازمند بدن و آلات بدنی است؛ از سوی دیگر، حواس ظاهری، نفس ناطقه را از انجام افعال خویش غافل می‌کند و مانع توجه نفس ناطقه به مقام ذات خویش می‌شود؛ از این‌رو در هنگام تعلق به بدن

و مانع شدن آلات بدنی در برخی ادراکات، نفس ناطقه برخی از صورت‌های علمی را فراموش می‌کند و نیازمند یادآوری آن‌ها می‌شود. این حالت به‌ویژه هنگام برخی از بیماری‌ها، مانند صرع و سکت، به‌خوبی نشان داده می‌شود. فرد مبتلا ممکن است تمامی یا بیشتر صورت‌های علمی خویش را فراموش کند، به‌گونه‌ای که یادآوری تمام یا بیشتر آن‌ها ممکن نباشد. بانظر به نقش اساسی بدن و آلات بدنی در فراموشی، ابن‌سینا مصرف برخی از داروها مانند کندر را جهت درمان فراموشی توصیه می‌کند (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ ق ج، ص ۲۷۳).

حاضر نبودن صورت علمی در قوای ادراکی انسان صرفاً در حالت بیداری ملاک فراموشی است؛ از این جهت زمانی که نفس ناطقه انقطاع کامل از بدن می‌یابد یا تعلق آن به جسم اندک می‌شود، حالت فراموشی تحقق نمی‌یابد. در حالت قطع تعلق نفس ناطقه از بدن، نفس همه صورت‌های علمی خویش را نزد خود حاضر می‌یابد و از این‌رو ادراکی را فراموش نمی‌کند. انسان در حالت خواب نیز بسیاری از صورت‌های علمی را نزد خویش حاضر نمی‌یابد؛ ولی چنین حالتی به معنای فراموشی نیست. افزون‌براین، در حالت خواب ادراکات حواس پنج‌گانه ضعیف شده است، حال آنکه فراموشی صرفاً زمانی است که بدن تعلق به نفس ناطقه داشته باشد و حواس ظاهری نیز افعال مختص خود را انجام دهد.

ابن‌سینا قوه خیال و ادراکات آن را مادی می‌داند (۱۴۱۷ ق، ص ۲۵۸-۲۵۹)؛ از این جهت در نظر او، قوای مستقل و جداگانه، فعل ادراک و حفظ و... را انجام می‌دهند. با نظر به مجرد بودن قوه خیال و ادراکات آن، حفظ و یادآوری و فراموشی را خود قوه خیال انجام می‌دهد و به دلیل مادی نبودن این قوه، هر فعل ادراکی‌ای، محل جداگانه‌ای در مغز یا دماغ انسانی ندارد. به دلیل اینکه قوه خیال و ادراکات آن مجرد از ماده است، محل مادی داشتن آن‌ها ممتنع است. به نظر می‌رسد ابن‌سینا فراموشی را مختص انسان نمی‌داند و در حیوانات نیز روی دادن آن را ممکن می‌داند؛ زیرا بحثی درباره اختصاص فراموشی به انسان مطرح نکرده است. ظاهراً با استمداد از شواهد حسی می‌توان فراموشی را در حیوانات مشاهده کرد. برخی از حیوانات اهلی و خانگی که مسیر بازگشت به منزل صاحب خویش را فراموش می‌کنند یا اینکه در سنین پیری

صاحب خویش را به یاد نمی‌آورند. همه این نمونه‌ها نشان‌دهنده فراموشی در برخی از حیوانات است. بانظربه مبانی فلسفی ابن‌سینا، اینکه حیوانات دارای قوه خیال و لذا حافظه هستند، به دلیل قوه یادگیری، امکان فراموش کردن برخی صورت‌های علمی در آن‌ها هست؛ زیرا که در مواردی که یادگیری صورت می‌گیرد، فراموشی نیز امکان دارد. افزون بر اینکه ابن‌سینا دلایل طبی بسیاری برای ایجاد فراموشی ذکر می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها داشتن مزاج سرد و مرطوب است (ابن‌سینا، ۲۰۰۵ م، ج ۲، ص ۲۷۳). با نظر به امکان ایجاد این‌گونه بیماری‌ها به حیوانات، فراموشی در آن‌ها نیز روی می‌دهد؛ زیرا حیوانات نیز مانند انسان‌ها دارای مزاج هستند.

۲- یادآوری صورت‌های علمی

ابن‌سینا یادآوری را چنین تعریف می‌کند: «هو الإحتمال لإستعادة ما اندرس» (ابن‌سینا، ۱۴۱۷ ق، ص ۲۵۵). احتیال از ریشه «حول» و به معنای با مهارت بودن، تلاش فکری و قدرت بر دقت داشتن در تصرف است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۱۸۵). استعاده به معنای بازگرداندن و برگرداندن و اندراس به معنای کهنه‌شدن است. با نظر به معانی لغوی کلمات به کار رفته در تعریف ابن‌سینا، یادآوری، تلاش فکری جهت بازگرداندن صورتی علمی است که در گذشته تحصیل شده است. بنابراین یادآوری صورت علمی‌ای است که در زمان گذشته در نفس ناطقه موجود بوده است (ابن‌سینا، ۱۴۱۷ ق، ص ۲۵۶)؛ ولی اینک در هیچ یک از قوای ادراکی نیست. ابن‌سینا می‌گوید: «العقل تارة تحضره صور المعقولات و تارة لا تحضره، بل تكون بالقوة، فإذا تذاکر حضرته» (ابن‌سینا، ۱۹۷۸ م، ص ۱۰۵). مشخص است که احضار و ادراک صورت‌های علمی مختص قوه عقل نیست، بلکه قوه خیال و وهم نیز چنین کارکردی دارند. با نظر به تعریف ابن‌سینا از یادآوری، یادآوری متوقف بر تحقق داشتن صورت علمی در حافظه است که اینک از بین رفته است؛ ولی انسان ادراک اجمالی مبنی بر وجود و ادراک صورت علمی مذکور را در گذشته دارد و فعل ارادی هدفمند جهت یادآوری دوباره آن است (ابن‌سینا، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۲۶). ابن‌سینا می‌گوید: «التذکر إعادة علم ماض» (ابن‌سینا، ۱۴۰۵ ق، ص ۴۹). فرآیند ادراکی یادآوری مختص ادراکات حصولی است و یادآوری در ادراکات

حضور نیست؛ زیرا علم حضوری، حضور مدرک نزد مدرک بوده و حقیقت مدرک نزد مدرک حاضر است؛ مانند علم انسان به ذات خویش که همواره در نزد او حاضر است و حالت غیبت ندارد. با نظر به غیبت نداشتن و عدم فقدان مدرک در علم حضوری به مدرک، یادآوری آن بی معنی است. اساساً در علم حضوری فراموشی وجود ندارد تا علم فراموش شده یادآوری شود. در علم حضوری صرفاً ممکن است مدرک در برابر مدرک حالت ذهول و غفلت داشته باشد؛ مثلاً ممکن است انسان به دلیل حالت ترس شدید از برخی ادراکات حضوری خویش غفلت کند. علم حصولی، حصول صورتی از معلوم خارجی در ذهن عالم است. فقدان این صورت علمی به حالت فراموشی منجر می شود که انسان در صدد یادآوری آن است؛ بنابراین یادآوری فقط درباره علم حصولی است نه حضوری.

بانظر به اینکه فراموشی در سه قلمرو ادراکی خیالی (و حسی) و وهمی و عقلانی است، یادآوری نیز در همین مراتب است؛ از این رو، فاعل یادآوری در ادراکات حسی و خیالی، قوه خیال است و قوه وهم نیز یادآوری کننده ادراکات وهمی است. اگر ادراکات عقلی افاضه شده از سوی عقل فعال باشند، جهت یادآوری افاضه دوباره عقل فعال ضروری و لازم است؛ از این رو، عقل فعال فاعل یادآوری در این باره است. البته در صورتی که قوه عقل با انجام فعل ادراکی تقشیر صورت عقلی را ادراک کرده باشد، فاعل یادآوری نیز قوه عقل است.

۳- تفاوت یادآوری با یادگیری

از دیدگاه ابن سینا، یادآوری با یادگیری تفاوت هایی دارد؛ از جمله:

۱. یادآوری انتقال به ادراکاتی است که پیش تر حواس ظاهری یا باطنی آن ها را ادراک کرده اند، بنابراین یادآوری ادراک دوباره مدرک سابق است؛ ولی در یادگیری صورت علمی جدید ادراک می شود، از این رو ارتباطی با ادراکات گذشته ندارد و ادراک جدیدی است (ابن سینا، ۱۴۱۷ ق، ص ۲۵۶). هر چند که ممکن است فرد نتیجه استدلالی را مثلاً مقدمه استدلال دیگر قرار داده و یادگیری جدیدی دست یابد.

۲. در یادآوری و حصول آن، به وجود آمدن تمامی اسباب و عللی که در گذشته سبب به

وجود آمدن صورت علمی پیشین شده است، ضروری نیست؛ بلکه حصول یا به وجود آمدن علاماتی نیز ممکن است منجر به یادآوری صورت علمی پیشین شود. در اینجا، هر چیزی ممکن است که به یادآوری کمک کند؛ مثلاً فردی معلم روزگاران گذشته خویش را فراموش کرده، ولی با دیدن یا شنیدن نام کتابی که نزد آن معلم تعلیم دیده، نام معلم و خصوصیات او نیز برایش یادآوری می‌شود. درحالی‌که برای دیگران، ادراک یا یادآوری آن کتاب هیچ ملازمه‌ای با یادآوری یا ادراک آن معلم ندارد (ابن‌سینا، ۱۴۱۷ ق، ص ۲۵۶). این در حالی است که در یادگیری به دلیل اینکه ادراکی جدید و تحصیل صورتی علمی است، تمامی شرایط ادراک باید محقق باشد، در غیر این صورت ادراکی محقق نمی‌شود.

۳. یادگیری درباره تصورات یا تصدیقات است. یادگیری تصورات با استفاده از اقسام گوناگون حد و تعریف به دست می‌آید؛ مثلاً فردی که نمی‌داند مفهوم الف چیست، با استفاده از تعریف شرح‌الاسم یا سایر انواع تعاریف به یادگیری مفهوم الف می‌پردازد؛ یادگیری انتقال از مجهول به معلوم است؛ زیرا انسان درباره تصور یا تصدیقی جاهل است و درصدد کسب علم درباره آن موضوع بر می‌آید تا جهل خویش را برطرف کند؛ ولی در یادآوری انسان صرفاً موضوعی را که در گذشته درباره آن علم داشته، دوباره به یاد می‌آورد. بنابراین یادآوری انتقال از معلومی به همان معلوم است و انتقال از مجهول به معلوم نیست (ابن‌سینا، ۱۴۱۷ ق، ص ۲۵۶).

۴. یادگیری با فکرکردن حاصل می‌شود که با استفاده از حد یا برهان به دست می‌آید؛ ازاین‌جهت، اشتغال شدید ذهنی به تفکر، مانع یادآوری است؛ زیرا در این حالت، ذهن مشغول تفکر است و نمی‌تواند درباره اتفاقات گذشته تأمل، و آن‌ها را یادآوری کند؛ مثلاً کسی که حادثه‌ای دردناک برایش روی داده و فکر او مشغول حادثه پیش‌آمده است، مانند بیشتر انسان‌ها، دراین‌حالت، به فکر یادآوری صورت‌های علمی خوب یا بد از گذشته نیست. درمقابل، اشتغال ذهنی شدید به یادآوری مطالب یا اتفاقات گذشته نیز مانع تفکر می‌شود (ابن‌سینا، ۱۳۲۶، ص ۶۴). بنابراین، فردی که به دلیل اختلال ادراکات یا حواس، قوه خیال او

دائماً حوادث و اتفاقات گذشته را به یاد می‌آورد و آن‌ها را تخیل می‌کند و از یادآوردن آن‌ها شاد یا ناراحت می‌شود، توانایی تفکر جهت اکتساب معلومات تصویری یا تصدیقی را ندارد.

۵. یادگیری علوم حضوری و حصولی هر دو ممکن است؛ زیرا انسان ادراکات حضوری و حصولی بسیاری را تحصیل می‌کند و یاد می‌گیرد. فردی که در رشته‌ای خاص تحصیل می‌کند و در طی دوران تحصیل علوم و قضایای بسیاری را یاد می‌گیرد، مشغول یادگیری علوم حصولی است؛ در مقابل، فردی است که دربارهٔ مجردات، مانند عقل فعال، علم حضوری پیدا می‌کند. مشخص است که چنین علمی را تحصیل می‌کند و فطرتاً آن را نداشته است. فراموشی صرفاً دربارهٔ علوم حصولی ممکن است و در علوم حضوری اتفاق نمی‌افتد. یادآوری نیز صرفاً دربارهٔ علوم حصولی است و دربارهٔ علوم حضوری فراموش کردن صورت علمی امکان ندارد. یادآوری فقط زمانی ممکن است که فراموشی اتفاق بیفتد، در علوم حضوری به دلیل روی ندادن فراموشی، یادآوری نیز امکان ندارد.

۴- انواع یادآوری

یادآوری در فلسفه ابن سینا از جهات مختلفی تقسیم‌بندی شده است. البته می‌توان برای فراموشی و یادآوری اقسام دیگری را به‌جز آنچه خواهد آمد، نیز بیان کرد، مانند موقت یا دائمی بودن فراموشی، اختلال اندک یا زیاد در یادآوری، اختلال صورت‌های یادآوری شده با صورت‌های ادراکی حاضر یعنی خلط کردن صورت‌های اکتسابی گذشته که طی یادآوری به یاد آورده می‌شوند با صورت‌های علمی ادراک شده در زمان حاضر. به دلیل اینکه رویکرد مقاله حاضر فلسفی و بانظر به مبانی فلسفی ابن سینا است، صرفاً به بیان اقسام فلسفی یادآوری پرداخته می‌شود.

۱. یکی از تقسیمات انواع یادآوری، تقسیم آن بانظر به اسباب حصول یادآوری است. براساس نظر ابن سینا، اسباب یادآوری را در انسان می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد:

الف- گاهی سبب یادآوری، اموری است که اتفاقاً روی می‌دهد و مسبوق به تفکر و تأمل سابق نیست. افعالی که به‌گونهٔ گزاف و عبث انجام می‌شوند و بدون دلیل خاصی به یادآوری

مطلبی در انسان می‌انجامند، همگی از این نمونه هستند (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ ق الف، ص ۱۴۱)؛ مانند فردی که در مکانی نشسته و در افکار خویش غرق است و سلسله تخیلات و افکار او سبب یادآوری خاطره‌های شیرین یا تلخی از گذشته می‌شود. او با یادآوری مرگ یکی از عزیزان یا نزدیکان خویش بی‌نهایت لندوهگین می‌شود یا با یادآوری خاطره شیرین و دلچسب تولد فرزند یا کسب ثروت بسیار، شادمان می‌شود.

اسباب و علل این قسم محدود به موارد خاص، و متناهی نیست؛ زیرا ممکن است انسان با هر صورت خیالی، اعم‌ازاینکه مشابه صورت خیالی فراموش‌شده، یا متضاد آن، یا دارای هرگونه نسبتی با صورت علمی مذکور باشد، صورت فراموش‌شده را به یاد آورد (ابن‌سینا، ۱۴۰۰ ق، ص ۶۵). در واقع به دلیل محصورنبودن اسباب این قسم و علت مشخص نداشتن انتقال از صورت‌های علمی حاضر در ذهن به صورت علمی فراموش‌شده، ابن‌سینا این قسم را امور اتفاقی و گزاف می‌نامد (ابن‌سینا، ۱۹۸۰ م، ص ۵۲)؛ زیرا دلیل مشخص و معینی نمی‌توان برای آن بیان کرد. یادآوری برخی مطالب فراموش‌شده در خواب از این قسم‌اند (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ ق ب، ج ۲، ص ۱۵۹). نمی‌توان انکار کرد که انسان در خواب، صورت‌هایی را می‌بیند و ادراک می‌کند؛ زیرا به دلیل کاهش ادراکات حسی، قوه خیال و تخیل صورت‌های علمی قوت و شدت می‌یابد. ممکن است یکی از صورت‌های خیالی ادراک‌شده در عالم خواب منجر به یادآوری موضوعی فراموش‌شده شود. مسلم است که دلیل مشخص و معینی نمی‌توان برای این عمل ادراکی یافت.

ب- گاهی سبب یادآوری، صورت علمی خاصی است که مسبوق به تفکر و اندیشه است؛ یعنی انسان مطلب یا موضوعی را فراموش کرده و با تفکر بسیار در صدد یادآوری آن است (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ ق الف، ص ۱۴۱)؛ مانند اینکه فردی، شیئی باارزش را در مکانی پنهان کرده ولی آن مکان را فراموش کرده است؛ یا مطلبی علمی را در گذشته یاد گرفته و اینک آن را فراموش کرده یا اصلاً به یاد نمی‌آورد که در کدام کتاب آن را خوانده است. در این هنگام انسان با سعی و تلاش فکری ارادی، در صدد یادآوری آن موضوع بر می‌آید. علت یادآوری

در این قسمت اراده انسانی جهت یادآوری صورت علمی فراموش شده است. ازدیدگاه فلوطین، «در مواردی که نفس ناطقه، ملکه اتصال به عالم عقلی را داشته باشد و صورت یا صورت‌های علمی را فراموشی کند، توجه اندکی به معقولات سبب یادآوری آن‌ها می‌شود. در این هنگام نفس ناطقه ملکه اتصال به عالم عقول را یافته است» (۱۴۱۳ ق، ص ۱۰۳).

۲. یکی دیگر از اقسام یادآوری، یادآوردن صورت‌های علمی بانظر به حدود قیاس یا موضوع با محمول تعریف است. یادآوری ممکن است درباره تصور یا تصدیق یا قیاسی علمی باشد. گاهی از اوقات یادآوری با به یاد آوردن حد وسط در قیاس اتفاق می‌افتد. یادآوری قیاس ممکن است با به یاد آوردن هریک از حدود اصغر یا اکبر نیز اتفاق افتد (ابن سینا، ۱۳۷۱، ص ۱۹۹). با نظر به اینکه حد وسط، ارتباط‌دهنده میان حد اصغر با حد اکبر است و نقش اساسی در منتج‌بودن قیاس دارد، یادآوردن حد وسط قیاس به یادآوری حدود اکبر و اصغر نیز می‌انجامد. به یادآوری هریک از حدود اصغر و اکبر نیز ممکن است منجر به یاد آوردن حد دیگر و همچنین حد وسط شود و در نتیجه، دو مقدمه قیاس و نتیجه آن یادآوری شود.

درباره یادآوری تصدیقات علمی و قضایا نیز باید گفت ابن‌سینا برخی از قضایا را مرکب از چهار جزء می‌داند؛ زیرا علاوه بر موضوع، محمول و نسبت حکمیه، وجود رابط نیز میان موضوع و محمول رابطه برقرار می‌کند (ابن سینا، ۱۳۷۹، ص ۲۹). از این جهت به یاد آوردن وجود رابط میان موضوع و محمول نیز ممکن است منجر به یادآوری کل قضیه شود؛ مثلاً قضیه «ابن‌سینا نویسنده کتاب الهیات شفاء است» را در نظر بگیریم. به دلیل حمل و قضیه‌سازی میان موضوع و محمول رابطه خاصی میان آن دو هست. به یاد آوردن چنین رابطه‌ای ممکن است منجر به یادآوری موضوع و محمول شود؛ ولی هیچ رابطه وجودی میان ابن‌سینا و مثلاً سنگ سیاه وجود ندارد. به دلیل نبود رابطه وجودی، به یادآوری موضوع و محمول از طریق رابط، امکان‌پذیر نیست.

۳. سومین تقسیمی که ابن‌سینا درباره اقسام یادآوری بیان می‌دارد از راه علم اجمالی و تفصیلی

است. بدین بیان که ممکن است مطلب علمی مختصر و مجملی، منجر به یادآوردن تفصیلی آن مطلب شود. ابن سینا در پایان کتاب *المبدأ و المعاد* خویش بیان می‌کند که از آوردن براهینی که دارای مقدمات زیادی است، خودداری کرده و براهین و مطالب فلسفی را به‌طور مختصر بیان کرده است؛ زیرا مطالب مختصر و مجمل این کتاب، ممکن است منجر به یادآوری تفصیلی براهین و مطالب فلسفی شود (ابن سینا، ۱۳۶۳، ص ۱۲۱) که شیخ الرئیس به‌طور مفصل در دیگر آثار خویش به‌ویژه *الشفاء* آن‌ها را بیان کرده است. گاهی نیز موضوعی علمی، شقوق بسیار دارد. کسی که دارای ملکه علمی است ممکن است با حاضر کردن صورت علمی یکی از این شقوق، تمامی شقوق دیگر آن مسئله را به یاد آورد.

۴- یادآوری، ویژگی مختص انسان

ابن سینا معتقد است که یادآوری مختص انسان است و سایر حیوانات قوه‌ای ندارند که بتوانند به واسطه آن صورت‌های علمی فراآموش‌شده را به یاد آورند. دلیل این مدعا از دیدگاه شیخ الرئیس چنین است: یادآوری صورت‌های علمی غائب و فراآموش‌شده به‌واسطه قوه عقل و ناطقه صورت می‌گیرد؛ زیرا نفس ناطقه مجرد از ماده است و بازگرداندن صورت علمی فراآموش‌شده صرفاً به‌واسطه قوه عقل یا ناطقه صورت می‌گیرد. دلایل تجرد نفس ناطقه صرفاً اثبات وجود تجردی قوه عاقله را در انسان، به دلیل ادراک کلیات اثبات می‌کند. حیوانات به دلیل نداشتن نفس ناطقه، توانایی یادآوری صورت‌های علمی را ندارند. جهت یادآوری صورت‌های علمی فراآموش‌شده نیز باید شوق و اشتیاقی به وجود آید، درحالی که شوق و اشتیاق در میان قوای نفس، مختص قوه عقل است و سایر قوا این توانایی را ندارند.^۱ دلیل این مطلب چنین است که ابن سینا در میان قوای نفس ناطقه فقط قوه عقل را مجرد از ماده می‌داند؛ از این رو، در نظر او دیگر قوای نفس ناطقه، مانند خیال و وهم، مادی هستند. به دلیل مادی بودن این قوا، حصول یا تحصیل شوق و اشتیاق در حیوانات ممکن نیست.

۱. چون یادآوری، مختص نفس ناطقه انسانی است، گاهی ممکن است به یاد آوردن صورت علمی، به ایجاد شوق در انسان بینجامد و سرانجام اراده کند فعلی را انجام دهد و سپس آن را انجام دهد (ابن سینا، ۱۳۷۱، ص ۲۵۸).

ابن سینا می‌افزاید که قوه وهم نیز ممکن است عمل ادراکی یادآوری را انجام دهد؛ زیرا واهمه عقل جزئی است. بنابراین قوه وهم قوه‌ای صرفاً جزئی نیست و در صورتی که عقل کلیات را به صورت جزئی ادراک کند، ادراکات وهمی صورت می‌گیرد. ابن سینا از این مطالب نتیجه‌گیری می‌کند که یادآوری مختص انسان است و دیگر حیوانات به دلیل اینکه قوه عقل یا ناطقه ندارند، توانایی یادآوری صورت‌های علمی فراموش‌شده را نیز ندارند (ابن سینا، ۱۴۱۷ ق، ص ۲۵۵-۲۵۶). ابن سینا در این زمینه می‌گوید: «واجب الوجود» هر یکی را از این به قوت‌های مختصی بیاراست: حیوانی را به شهوت و غضب و حس و خیال و وهم؛ و طبیعی را به قوت دفع و هضم و جذب و امساک؛ و نفسانی را به قوت تفکر و تذکر و تمیز و حفظ» (۱۳۵۲، ص ۳). ابن سینا هم‌چنین می‌گوید: «نفس ناطقه، فرمانده و مهتر^۱ دیگر ارواح است ... و حفظ و تمیز و تذکر و تفکر از وی زاید» (۱۳۵۲، ص ۶).

در فلسفه ابن سینا میان دو اصطلاح «ذکر» و «تذکر» نیز باید تفاوت گذاشت. تذکر یا یادآوری، به یاد آوردن صورت علمی فراموش‌شده است که بنا به دلایل گفته‌شده مختص انسان است؛ ولی «ذکر» به معنای محفوظ‌بودن صورت‌های علمی و ادراک ارادی دوباره آن‌هاست. بنابراین «ذکر» در نظر ابن سینا ادراک دوباره صورتی علمی است که پیش‌تر ادراک‌شده است (صلیبا، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۶۵-۲۶۶). ذکر، فعل ادراکی قوه حافظه است؛ یعنی صورتی علمی، در قوه حافظه موجود است و حافظه آن را دوباره ادراک می‌کند (ارسطو، ۱۹۸۵ م، ص ۲۱۲)؛ ولی تذکر، به یاد آوردن صورتی علمی است که تحقیق در قوه حافظه یا سایر قوای ادراکی ندارد.

ابن سینا ذکر را شامل هم انسان و هم حیوان می‌داند؛ زیرا حیوانات نیز صورت‌هایی علمی دارند که در قوای ادراکی آنان محفوظ مانده است و در صورت لزوم دوباره ادراک می‌کنند. به بیان دیگر حیوانات دارای قوه حافظه هستند؛ مثلاً غذای مختص هر حیوانی به گونه‌ای صورت

۱. این واژه در این منبع «مهتر» آمده بود؛ ولی با مراجعه به نسخه دیگری از این کتاب، به تصحیح نجیب مایل هروی به «مهتر» اصلاح شد (ابن سینا، ۱۳۶۶، ص ۸۴).

علمی ملکه‌شده در اوست که با دیدن مصادیق متفاوت و گوناگون آن، می‌تواند غذای خویش را تشخیص دهد و دچار خطای ادراکی نشود. این‌گونه ادراکات در انسان نیز وجود دارد؛ ولی از نظر ابن‌سینا، به‌دلیل اینکه انسان دارای نفس ناطقه است، یادآوری نیز مختص او است. مدعای ابن‌سینا در این قسمت مبتنی بر مادی دانستن قوای ادراکی به‌ویژه قوای خیال و وهم است. با اثبات مادی نبودن قوای ادراکی جزئی، حیوانات دارای قوه خیال، نه‌تنها توانایی حفظ صورت‌های علمی را دارند، بلکه ممکن است برخی صورت‌های علمی فرا‌موش شده را نیز به یاد آورند. به نظر می‌رسد شواهد حسی بسیاری نیز مؤید این ادعا هستند؛ مثلاً حیوانی مانند سگ که مدت زیادی از صاحب خویش دور بوده است با دیدن دوباره او اظهار شادمانی می‌کند و حرکات خاصی را جهت ابراز محبت به او ابراز می‌کند یا اسبی که مدت‌های مدیدی از خانه اولیه خود دور بوده به محض رسیدن به نزدیکی آن منطقه، راه خویش را به سوی طویله باز می‌یابد؛ یا کبوتر نامهرسان که در گذشته اهمیت بسیار اساسی در تبادل اطلاعات در زندگی انسان داشته است. کبوتری که صدها کیلومتر از مکان اولیه خویش به مکان و کشور دیگری می‌رفته و پس از مدت‌های مدید بازمی‌گشته، قطعاً در طی مسیر بازگشت صورت‌های علمی از مسیر طی شده را به یاد آورده و این‌گونه به وطن خویش بازمی‌گشته است. این شواهد حسی انکارناپذیرند و انکار آن‌ها مساوی با انکار بدیهیات از نوع مشاهدات است؛ بنابراین، یادآوری مختص انسان نیست و درباره برخی حیوانات نیز به‌دلیل شواهد تجری و دلایل تجرد قوه خیال، می‌توان یادآوری را اثبات کرد. به‌این‌ترتیب، مبانی ابن‌سینا در این قسمت، به‌گونه‌ای دچار تناقض درونی است، به‌این‌بیان‌که او حیوانات را دارای قوه حافظه می‌داند و قوه حافظه حفظ‌کننده صورت‌های علمی است. حفظ‌کردن صورت‌های علمی، با یادآوری آن‌ها نیز ملازم دارد. موجودی می‌تواند صورت علمی را یادآوری کند که آن را در قوای ادراکی خویش حفظ کرده باشد.

نتیجه‌گیری

فرا‌موشی و یادگیری از مباحث معرفت‌شناسی ابن‌سینا است که نظریه او در این باره مبتنی بر

حصول ماهیت و صورت اشیاء خارجی در ذهن است. هنگامی که صورت شیء خارجی از خارج وارد ذهن انسان می‌شود، در صورت غیبت کلی از حافظه، فراموشی اتفاق می‌افتد؛ ولی در صورتی که در حافظه موجود باشد، ذهن انسان در برابر آن حالت نسیان دارد. فراموشی، غیبت کامل صورت علمی از قوای ادراکی است. یادآوری صورت علمی فراموش شده، نیازمند حصول شرایط مجدد یادگیری آن صورت یا یکی از علائم و نشانه‌های ادراکی آن است که قوای ادراکی انسان بتواند با استمداد از آن نشانه، دوباره صورت علمی را ادراک کند؛ ولی در یادگیری انسان صورت علمی‌ای که سابقه ادراکی ندارد، ادراک می‌کند، یعنی از مجهول به معلوم می‌رود. فراموشی و یادآوری صرفاً درباره علوم حصولی است، نه حضوری؛ زیرا فراموش کردن معلوم حضوری امکان ندارد. برخی از مبانی ابن سینا مانند مختص انسان بودن یادآوری، چگونگی فراموش کردن صورت‌های علمی و چگونگی یادآوری آن‌ها مبتنی بر مادی دانستن قوای ادراکی خیال و وهم است. البته در صورت اثبات مجرد بودن این قوا، تحلیل بهتری از فراموشی و یادآوری می‌توان بیان کرد.

منابع

- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۵). *الإشارات والتنبيهات*. قم: نشر البلاغه.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۱۸ ق). *الإلهيات من كتاب الشفاء* (حسن حسن زاده آملی، مصحح). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۲۶ ق). *تسع رسائل في الحكمة والطبیعیات*. قاهره: دار العرب.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۴ ق الف). *التعليقات* (عبد الرحمن بدوی، محقق). قم: مکتب الاعلام الإسلامی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۴ ق ب). *الطبیعیات من كتاب الشفاء*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۴ ق ج). *رسالة في الأدوية القلبية*. دمشق: معهد التراث العلمي العربي.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۰ ق). *رسائل* (محسن بیدارفر، مصحح). قم: بیدار.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۹۸۰ م). *عيون الحكمة*. بیروت: دار القلم.

ابن سینا، حسین بن عبدالله (۲۰۰۵ م). *القانون فی الطب*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۹۷۸ م). *کتاب الإنصاف*. کویت: وكالة المطبوعات.
ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۱). *المباحثات* (محسن بیدارفر، مصحح). قم: انتشارات بیدار.
ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۶۳). *المبدأ والمعاد* (عبدالله نورانی، مصحح). تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی.

ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۵۲). *معراج‌نامه* (بهمن کریمی، مصحح). قم: مطبعة عروة الوثقی.
ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۶۶). *معراج‌نامه*؛ به انضمام تحریر آن از شمس‌الدین ابراهیم ابرقوهی (نجیب مایل هروی، مصحح). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
بن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۵ ق). *منطق المشرقیین*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۹). *النجاة من الغرق فی بحر الضلالت* (محمدتقی دانش‌پژوه، مصحح). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۱۷ ق). *النفس من کتاب الشفاء* (حسن حسن‌زاده آملی، مصحح). قم: مکتب الأعلام الإسلام.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
ارسطو (۱۹۸۵ م). *فی النفس* (اسحاق بن حنین، مترجم). بیروت: دار القلم.
افلاطون (۱۳۳۶). *چهار رساله* (ممنون، فدرس، تئتوس و هیپیتاس بزرگ) (محمود صنایعی، مترجم). تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

بهشتی، احمد (اردیبهشت ۱۳۶۲). *تذکر و یادآوری*. پیوند، ش ۴۳، ص ۳۸-۴۱.
صلیبیا، جمیل (۱۴۱۴ ق). *المعجم الفلسفی*. بیروت: الشركة العالمية للكتاب.
داوودی، محمد (بهار و تابستان ۱۳۹۰). *یادگیری و عوامل موثر بر آن از دیدگاه ابن سینا*، حکمت سینوی، ۱۵(۴۵)، ص ۴۲-۶۱.

فلوطین (۱۴۱۳ ق). *اثولوجیا* (ابن ناعمه حمصی، مترجم). قم: انتشارات بیدار.
قطب‌الدین رازی، محمد بن محمد (۱۳۷۵). *المحاکمات بین شرحی الإشارات*. قم: نشر البلاغه.
میرداماد، محمد باقر بن محمد (۱۳۶۷). *القبسات* (مهدی محقق، مصحح). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.